

# معرفی یک سند تاریخی: (دیدگاه صاحب «عروة الوثقی» راجع به متمم قانون اساسی مشروطه)

عطا احمدی

با متن مصوب، در موارد عدیده متفاوت می باشد و اصول ۱، ۲، ۱۴، ۲۳ و ۶۸ در این پیش نویس دیده نمی شود. در دو مورد نیز تقدم و تأخر در ذکر اصول قانون، در مقایسه دو متن، به شرح زیر ملاحظه می گردد:

۱- اصول ۴، ۵، ۶ و ۷ متن مصوب - که راجع به پایتختی تهران، پرچم سه رنگ ایران، حقوق کلی اتباع خارجی و تثبیت اساس مشروطیت است - در انتهای متن پیش نویس آمده است.

۲- اصول مربوط به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی (۵) - که در متن مصوب قبل از اصول مربوط به امور مالی و مالیات (۶) آمده - در متن پیش نویس، بعد از آن ذکر شده است.

صاحب عروه - که در عصر خود، ملجأ و مرجع شیعیان عرب و عجم و حتی مورد احترام خاص اعظام اهل سنت بوده - در هر جای از عبارات متن پیش نویس، نسبت به اصلاح و یا تکمیل آن نظری داشته، آن را متذکر شده است.

از جمله نکات در خور توجه، این است که با وجود آنکه ایشان اساساً از مدافعان مشروطه مشروعه "بوده و نسبت بدانچه عملاً به وقوع پیوست، دید خوشبینانه ای نداشته، با این حال تبعیت از قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورا را هر چند به نحو مشروط، پذیرفته است که بدان بعداً اشاره خواهد شد.

اما آنچه در اینجا درنگ و تأمل بیش تری می طلبد، این نکته است که تدوین کنندگان پیش نویس متمم قانون اساسی، با علم به نظرات کلی ایشان نسبت به مشروطه و نیز با وجودی که آن بزرگوار در خارج از ایران (سرزمین عراق و حوزه علمیه نجف اشرف) می زیسته، چگونه در نهایت، رأی و نظر وی را پاس داشته اند؛ به طوری که بعداً عبارات اصلاحی ایشان را در مواردی عیناً و در مواردی با اندک تغییر، در متن نهایی متمم قانون اساسی ایران گنجانده اند!

در زیر نمونه هایی از آن را بر می شماریم:

۱- در خصوص تحصیل علوم و معارف برای آحاد مردم، در پیش نویس چنین آمده است:

"تحصیل علوم و معارف، آزاد است." که صاحب عروه، آن را بدین

اکنون که در یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطه ایران قرار گرفته ایم، بسیار بجاست که به مدد اسناد برجای مانده، ناگفته ها و نانوخته های مرتبط با این فراز حساس تاریخ معاصر کشورمان را به عرصه نگارش آریم. بسیاری از نکات و حقایق بازگو نشده این برهه از تاریخ ایران، زمینه ساز قضاوت های نابجا در خصوص ریز و درشت وقایع قبل و بعد مشروطه و نیز شخصیت های مطرح در این دوران شده است.

از جمله رجال ناموری که در مقطع مشروطیت می زیسته و آوازه نام و نفوذ معنویش، آفاق ایران و عراق را در نور دیده و به سراسر جهان اسلام بسط یافته است و در عین حال، تاریخ نگاران مشروطه از او کم تر یاد کرده اند و یادآور آن نیز در داوری خود، برخی، راه خطا پیموده و بعضاً جفای عظیم در حق وی روا داشته اند، مرجع بزرگ شیعه آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۱۳۳۷-۱۲۴۷ق.ه.) - اعلی الله مقامه - (۱) است که اثر گرانسنگ عروه الوثقی او در فقه، از فرادای انتشار آن تاکنون، همچنان در حوزه های علمیه از جایگاه و اعتبار ویژه برخوردار می باشد و بسیاری از فقها و مراجع تقلید بر آن حاشیه یا شرح نگاشته اند.

از جمله مجموعه های ارزشمندی که خوشبختانه در سالهای اخیر در اختیار معاونت اسناد ملی سازمان قرار گرفت، مجموعه ای است از اسناد متعلق به آن بزرگوار که توسط یکی از منسوبان ایشان (۲) به گنجینه اسناد ملی منتقل شده است. در لابلای اسناد این مجموعه، به حقایقی می توان دست یافت که باز خوانی و موشکافی محتوای آنها بر مستند نویسان تاریخ معاصر ایران بخصوص نگارندگان و تحلیلگران تاریخ مبارزات روحانیت و بویژه مرجعیت شیعه در سده اخیر، بی تردید فرض و لازم است.

یکی از اسنادی که در میان مجموعه یاد شده به لحاظ محتوا از اهمیت فوق العاده برخوردار است، پیش نویس متمم قانون اساسی مشروطه ایران (۳) و یا به تعبیر آن روزها، متمم «نظامنامه اساسی» است که آیت الله آقا سید محمد کاظم یزدی، دیدگاههای اصلاحی و تکمیلی خود را نسبت به مواد تنظیمی آن، در حاشیه و یا ذیل سطور متن پیش نویس مرقوم نموده است.

البته آنچه در این پیش نویس آمده است با آنچه در متن مصوب مجلس شورای ملی ملاحظه می شود (۴)، یکسان نیست. قالب عبارات پیش نویس



آیت الله العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی

۵- در همان اصل یاد شده، عبارت متن پیش نویس راجع به قوه قضائیه چنین آمده است:  
 "قوه قضائیه که اعمال آن مخصوص است به محاکم و دیوانخانه ها"  
 مرجع بزرگ شیعه، اصلاحیه خود را در این خصوص بدین گونه آورده است:

"قوه قضا و حکم که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه، مخصوص است به محاکم شرع در شرعیات و به محاکم عرف در عرفیات"  
 در عبارت متن نهایی، اصلاحیه ایشان که در واقع بیانگر هدف اصلی تشکیل این قوه و تفکیک وظایف محاکم شرعیه و عدلیه است، به قرار زیر منظور شده است:

"قوه قضائیه و حکمی که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات"

۶- صاحب عروه، در خصوص مرجع رسیدگی به دعاوی و مراعات،

گونه اصلاح نموده است:  
 "تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع، آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد"  
 عین این عبارت اصلاحی ایشان، در اصل هیجدهم متمم قانون اساسی، بدون کم و کاست آمده است.

۷- در مورد اصل آزادی مطبوعات، در پیش نویس می خوانیم که:  
 "مطبوعات بکلی آزاد و ممیزی در روزنامجات و مطبوعات، ممنوع است؛ ولی در این مطبوعات اگر چیزی مضر به دین مبین و مشتمل تعرض شخصی و تهمت و توهین یا حاوی هزلیات باشد، به موجب قانون، نشردهنده و نویسنده مجازات می شوند"  
 ...

علامه صاحب عروه، عبارات این اصل را -هر چند در آن به منع نشر کتب ضلال اشاره دارد- در قالب عبارت زیر اصلاح نموده است:  
 "عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین و مشتمله بر تهمت و هتک و توهین، آزاد است و..."  
 که در اصل بیستم متمم قانون اساسی، آغاز عبارت اصلاحی ایشان (قریب به عین آن) به شرح زیر آمده است:  
 "عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است..."

۸- موضوع اصل بیست و یکم در پیش نویس این گونه ذکر شده است:  
 "انجمنها و اجتماعات، به طور مسالمت در تمام مملکت آزاد است..."

عبارت اصلاحی مرجع بزرگ شیعه در این خصوص بدین قرار است:  
 "انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه نباشند، دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است..."  
 آنچه بعداً در متن مصوب اصل بیست و یکم آمده، چنین است:  
 "انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است..."  
 ملاحظه می شود که شکل عبارت و واژه های به کار رفته در اصلاحیه ایشان، در متن نهایی کاملاً مورد توجه واقع گردیده است.

۹- اصل بیست و هفتم که راجع به قوای سه گانه می باشد، عبارت متن پیش نویس آن در خصوص قوه مقننه به شرح زیر تنظیم شده است:  
 "قوه مقننه که ناشی می شود از اعلی حضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و..."  
 آیت الله آقا سید کاظم یزدی، عبارت فوق را به شرح زیر اصلاح نموده است:

"قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین عرفیه و این قوه ناشی می شود از ..."  
 که عبارت "مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین"، عیناً در متن نهایی قید گردیده است.

تأکید بر این دارد که:

تفصل خصومات و مرافعات در اموال و حقوق و اعراض و نفوس و اشیاء آنها، مختص به محاکم شرعی مجتهدین عظام است و "مشاجرات در حقوق سیاسی - که عبارت است از وظایف دیوانی و امور مالیات و گمرک و مأموریت و امثال اینها - مستقلاً راجع به محکمه عدلیه است، مگر در موقعی که قانون استثنا می نماید."

این نظر ایشان نیز در اصول هفتاد و یکم و هفتاد و دوم متمم قانون اساسی، به نحو بارزی تأمین گردیده است.

گذشته از اصلاحات و حواشی ایشان بر پیش نویس یاد شده، در یکی دیگر از اسناد این مجموعه - که ظاهر دستخط یکی از اصحاب ایشان می باشد - ضمن طرح سؤال و جوابی راجع به حکم شرعی مصوبات مجلس شورا و مواد قانون اساسی، فتوای معظم له ذکر شده است که چنانکه در بالا اشاره شد، از اهمیت دوچندان برخوردار است و نافی نظراتی است که برخی از مورخان و پژوهشگران تاریخ مشروطیت، نسبت به مذاق فکری و فقهی ایشان و دیگر فقهای نامی مدافع تر "مشروطه مشروعه" اظهار داشته اند.

صورت استفتا قریب بدین مضمون است که:

عمده آنچه در قانون اساسی آمده، الزام به انجام یا ترک امری از امور را شامل می شود که این الزامات منسوب به شرع نیست و از سوی، پیشاپیش، تأکید شاه (۷) را نسبت به عدم مغایرت قوانین مجلس با احکام شرع به همراه دارد؛ با این توضیح چه حکم شرعی بر آن مترتب است؟

پاسخ ایشان به این سؤال مورد ابتلای عامه مردم، این است که:

مادامی که مفاد و الزامات قانون "متعلق به فعل حرام یا ترک واجب نباشد"، تبعیت از آن جایز است و حتی در جهت "صلاح نوع و حفظ حقوق ملت" مجازات متخلفین از آن نیز، مجاز می باشد. (۸)

آنچه در این مختصر بدان اشارت رفت - چنانکه در عنوان این نوشتار آمد - صرفاً به قصد معرفی یک سند تاریخی بود و نه تهیه و تنظیم یک مقاله تحقیقی متعارف. با این امید که در فرصت مقتضی - ان شاء الله - با نگاهی عمیق تر به اسناد مجموعه نفیس یاد شده، اندکی از حق و دین عظیمی را که امثال این بزرگان عرصه علم و فضیلت بر ما دارند و غالباً از آن غافلیم یا در پیچ و خم تحلیلهای بظاهر صحیح و علمی، جامه انکار بر آن می پوشانیم، ادا کرده باشیم.

#### پی نوشتها:

۱- برای آگاهی از شرح زندگانی و آثار و شخصیت وی، نگاه کنید به: الذریعه الی تصانیف الشیعه: شیخ آقا بزرگ تهرانی (۲۵۲، ۱۰۸۳ و ۲۵۲/۸۵) اعیان الشیعه: سید محسن امین عاملی (۲۳۸۰) ریحانه الادب: میرزا محمدعلی مدرس تبریزی (۳۹۳۶-۳۹۹۱) علمای معاصرین: حاج میرزا علی واعظ خیابانی (۱۱۴-۱۱۳۳) فوائد الرضویه: حاج شیخ عباس قمی (۵۹۷/۲-۵۹۶) مکارم الآثار: میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی (۱۳۲۶-۱۳۳۱) مولفین کتب چلبی: خانبابا امشار (۳۰/۱۵-۲۶) اختران نابناک: حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (۳۸۸) نهضت روحانیون ایران: علی دوانی، ج ۲، صص ۱۷۴-۱۶۹ و گلشن ابرار: جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم (۴۵۰۸-۴۴۵)

۲- جناب آقای سید جعفر طباطبایی یزدی.

۳- متن قانون اساسی مشروطه، توسط نمایندگان مجلس شورای ملی در دوره اول قانونگذاری تهیه و تدوین گردید که مشتمل بر ۵۱ اصل بود و در تاریخ ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۴ ق.ا. ۸۱ دیماه ۱۲۸۵ ش. به صحنه و امضای مظفرالدین شاه قاجار رسید؛ لیکن نظر به تقاضای فراوانی که در آن ملاحظه می شد، هیئتی از بین نمایندگان مجلس، در آغاز سلطنت محمدعلی شاه قاجار مأمور تهیه و تدوین متمم آن شدند که پس از گذشت قریب ۷ ماه، اصول متمم قانون اساسی را در ۱۰۷ ماده تهیه و با اصرار نمایندگان، سرانجام در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ق.ا. ۱۵ مهر ماه ۱۲۸۶ ش. به امضای محمدعلی شاه رساندند. اعضای هیئت منتخب تدوین متمم قانون اساسی، عبارت بودند از: میرزا جواد خان سعدالدوله، میرزا حسن خان مشارالملک، میرزا صادق خان مستشارالدوله، حاج سید نصر الله سادات اخوی، حاج امین الضرب و سید حسن تقی زاده.

۴- برای آگاهی از متن قانون اساسی مشروطه و متمم آن، نگاه کنید به: دایرة المعارف فارسی: غلامحسین مصاحب (۲۰۰۳/۲-۱۹۹۵) و مجموعه قوانین (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، صص ۳۲-۳.

۵- اصول ۹۳-۹۰.

۶- اصول ۱۰۳-۹۴.

۷- مقصود، مظفرالدین شاه قاجار است که در هر دو دستخط اول و دوم فرمان مشروطیت، موافقت مصوبات مجلس را با قوانین شرع، مورد تأکید قرار داده بود.

۸- این عبارات، گزیده متن فتوای ایشان می باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

اصولاً که بر مبنای قوانین اسلامی و مصلحت ملت ایران بر مبنای  
اصول و در مابین چهاردهم خرداد سنه ۱۳۲۰ بعد از جمع حضور شاه  
سید (مظلوم) در این شورا و از اسم غیر متحدی که در آنجا  
مقرر شده است و در روز دوشنبه ۲۲ خرداد سنه ۱۳۲۰  
که در این سند مقرر است این باب اول و دو کلمات

آذربایجان	گیلان	کرمان	اصفهان	چهارمحال	فارس
کرمانشاه	گلستان	هرمزگان	خوزستان	ایلام	کهگیلویه
بوشهر	همدان	زنجان	قزوین	مازندران	گیلان
سمنان	همدان	کرمانشاه	اصفهان	اصفهان	اصفهان
اصفهان	اصفهان	اصفهان	اصفهان	اصفهان	اصفهان

در این تقسیم ابونت بگوشتاری

و در این تقسیم ابونت بگوشتاری  
که در این سند مقرر است این باب اول و دو کلمات

در حقوق ملت ایران

حقوق ملی ملت ایران که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند

در این سند مقرر است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند  
مقرر شده است که در این سند مقرر است و در این سند

مطابق قانون مجرمین عموم و صحت سزای آن  
در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات

کسانی که مستحق عدم رعایت ماده فیه ایندراج است قانون  
مجازات را نیز ازاد است

اشباع جاریه بنوانسته قیود غیر از اینها نباشد  
وضع آنها از جهت عدم رعایت قانون است  
فرض با موری در واد در تقصیرات را بعد از اشباع  
فیه که در حق و زداد که رعایت از این محسوسه و با سبب بی نظیر

در قواعد ملکات از اوقات است طریقه استعمال آن قواعد  
اسرار معین بنابر قواعد ملکات را مستحق سزا  
از قواعد ملکات از اوقات است طریقه استعمال آن قواعد  
اسرار معین بنابر قواعد ملکات را مستحق سزا  
از قواعد ملکات از اوقات است طریقه استعمال آن قواعد  
اسرار معین بنابر قواعد ملکات را مستحق سزا

قوانین را بعد از اشباع بر ضروف ملکات از مقتضات محسوسه  
و در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات  
و ما در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات

سزا نانی محسوسه را با اوقات محسوسه بر ضروف ملکات  
از قواعد ملکات از اوقات است طریقه استعمال آن قواعد  
اسرار معین بنابر قواعد ملکات را مستحق سزا  
از قواعد ملکات از اوقات است طریقه استعمال آن قواعد  
اسرار معین بنابر قواعد ملکات را مستحق سزا

در این خصوص که از او در مجرای مجازات و تکلیفات

**در جنون اعضاء مجلس**

و کلاه مجلس شورای عالی و مجلس سنا از طرف نامت کانت دارند فقط  
از طرف طبقات مهم با امارت دیوگایکواندا را انتخاب نمایند

کلیه بنبوده درین احد مصونیت بر مجلس اوار باشد  
چنانچه یکی از کلاه دار است و نیز تلفظ منصف برای البه از طرف

مجلس منصف شد و مصونیت مجلس نیز از طرف نامت کانت و مجلس  
کانت که در شرف دار است هرگز تلفظ کند و از طرف نامت کانت  
منتخب شد هر یک از مجلسین من تحقیق و تحقیق در برابر دادگاه  
مزارات مجلس در دست انفصال مجلس را به نامت کانت

**در جنون سلطنت ایران**

سلطنت مشروطه ایران در شهر تبریز غایتی است (محمد علی شاه)

فاجعه ایدام هم سلطنت و تقاب بین نیکو بدست در قرار خواهد  
و ولایت عهد با اولاد ذکر داشته که از ولایت در ایرانی و کریم  
الطرفین با وجوب قران بر سلمان مولا که معوض خواهد بود

در موضع رعایت داشته و عهد قریب از نفع از سلطنت منصف شد  
کلیه او به عهد مانع باشد چنانکه با این کن زسیه باشد با بصورت مجلس  
نمودار با مجلس سنا نامت سلطنت برابر اولاد تقاب خواهد شد با عهد و سابق

در هر مورد که اولاد ذکر نباشد تقاب عهد متول بر ارشاد و تصویب  
مجلس شورای عالی و مجلس خواهد بود

هیچ سلطانی بر تخت سلطنت نیندازد چنانکه گویا بقدران حکمدار  
باید در مجلس شورای عالی حاضرند مجلس را با مجلس منصف است  
بقرار و در قسم با نامت

من بکلام هم عهد و با یکی عهد او من منصف است من بکلام که توف  
است استقلال و توف و قانون اساسی مشروطیت ایران را از ای خلقت  
و نامت کلیه ایران اصابت نام

مجلس سنا نامت سلطنت که از توف و عهد منصف شد من بکلام منصف است  
هر آنچه که من منصف است را با و عهد منصف است

در هر موقع رعایت باشد و مجلس شورای عالی و مجلس سنا را با منصف خواهد بود  
و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه منصف است  
میباشد

و گاه بدست ثقات و کرامت و بزرگان از زمین در زمان حیات باقی  
نمانده باشد و در کتب و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
باشد و باقی مانده باشد و در کتب و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
در دست نیابت سلطنت تعیین کرده و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
تخص سلطنت تعیین کرده و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
مستند بر آن مکتب است و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
و بعد از آن از سلطنت بر سر است و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
امور معمول هستند

کبر قوانین و دستخط پادشاه و قضاوت است که با مضاف و در صورتی که  
باشد و در صورتی که در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
عزل و نصب و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
اصفا در عادت نظر سلطان قانون نفس پادشاه است  
التماس امور و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
پادشاه است که در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان

ارجاع به هر فداست موقوف است بحیثیت قانون معمول  
قوانین و احکام بر او اقرار این از حقیقت پادشاه است  
اینکه در کتب و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
قوانین و احکام بر او اقرار این از حقیقت پادشاه است

اعلان جنگ و صلح با پادشاه است  
عهد نامه با کتب مطبوعه یا صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
بهر از وضع نمودن هر یک منافع و امنیت مملکت بقضای آن با توجهات لازم  
باید از طرف پادشاه و پادشاهان و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
مقرر نموده و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
پادشاه می تواند تعیین شود و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
خزین سکه یا مواضبت قانون بنام پادشاه است  
مخارج و مصارف و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
اختیارات و اقتدار است سلطنت است که در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
مقرر شده است که در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان

بهری می تواند مقام وزارت برسد و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
ست و در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان  
مقرر شده است که در صورتی که در صورت پادشاه و پادشاهان

از مجلس حضار شوند باین طرز گردند نسبت با هر یک بحال بانهاست  
 حدود و شمول یک محضر را مشخص فرمایند  
 و در باره عداد و پراکنگی مسؤلان شایسته تقصیر از آن محضر مستند به بیعت  
 اتفاق نیز در مقام تعیین مسؤل و قاضی اعمالی بکارند  
 عده و درجه و نسبت نیز مستقر شود در ملاقات با حضور یک نفر  
 شورای عالی شایسته که در باره می تواند بود  
 منصب وزارت اشخاص را یکجا موقوف است  
 عطاء و جیره اشخاص مختلفه را یکی یا بیشتر در استخفاف قرار داده  
 سطح کرامت از حدشان نماند محضر شورای عالی و شایسته  
 و در باره ارتقاء و مواخذه و عاقله در گذرند  
 مسؤلان و در باره اوسب بازرگ چهار راجع با آنها میوه قانون  
 معین خواهد بود

در هر مرتبه و وقت ملاقات محضر شورای عالی در مقام رضایت  
 از بیعت خدا با و در نظر اظهار که در تعیین نسبت با آن وزیر استقام  
 از مقام وزارت منزل بود

**ملاحظه بوزراء**

محضر شورای عالی در هر مرتبه در محضر دولت و در هر مرتبه  
 که در دو یا گانه نیز در محضر در حضور اعضا کلمات و در هر  
 حکمت خواهد بود که موجب قانون اهتمام و اتمام و حصول  
 ادارات در هر مرتبه بنفس و در هر قاعده و راجع به عنوان باشد  
 که در بعضی مشغول اوله آن وزیرند داشته باشد که خلفای این کتب  
 آن وزیر باشد  
 تعیین نماید که در هر مرتبه که تعیین نماید است  
 از اعضا مجلسین بعد از آن در هر مرتبه که تعیین نمایند  
 تعیین نمایند و در هر مرتبه که در هر مرتبه که تعیین نمایند  
 محضر شورای عالی شود و با وجود اینها است محضر معین گردند  
 منوط بقانون مخصوص خواهد بود

**فصل در تعیین اعضاء**

کسب اعضاء و منازعات را بعد از تعیین در هر مرتبه  
 بلکه با اعضاء منازعات را بعد از تعیین در هر مرتبه  
 بلکه است کرد در مواقعی که قانون است  
 این محضر معین است که معصوم در هر مرتبه که حکم قانون معین





مقرر اعضا محاکم بموجب قانون همین خواهد شد  
 در صورتیکه محاکم نیز مانند قبول خدمات و تعلقه و ترانها باید که  
 آن خدمت را چنانچه بر عهده گیرند و مخالفت قانون نمیشد  
 در هر کسی ابائی یک حکم استیفاءات مقرر خواهد شد بر تری  
 که در قانون مدنی صریح است از آنجا که در این قانون  
 محاکم تقاضای دیاری مواقیق قوانین مخصوصه در تمام مملکت برقرار  
 خواهد شد

حکمت در افعول و سنازه در حدود و ادارات و مشاغل بموجب  
 مقررات قانون مقرر خواهد شد

دیوانه که در مدنی و حکم و اوقی احکام و تقاضا بهای عمومی و ابائی  
 و علی را جبر خواهد شد داشت که آنها مطابق با قانون باشد  
 در خصوص صورت الیه

اسم تمام مایات برقرار نمیشد مگر حکم قانون مدنی  
 مواردی که از دادن مایات معاف تر اند شد قانون

نقشه قوانین

میزان مایات را همه ساله مجلس شورای ملی یا کرسیت آراء  
 مقرب و معین خواهد نمود

در موارد مایاتی که در اعتبار اعتباری میباشند که از آنجا که  
 تخفیف و معافیت از مایات متوسط بقانون مخصوص است  
 غیر از مواقیق که قانون قراعه مستثنای سیدار در هیچ عنوان از آنجا  
 چیزی مطایر نمیشد مگر بسم مایات ملکی و ابائی و دولتی  
 خبیث و غلبه و انعامی که در این صورت ملاحظه مگر بموجب قانون

مقرر میشود همین خواهد بود

این مقررات مایات امور بهای و تعلقه مایات اداره مایه و  
 و تقویع مایات مایات مایات مایات مایات مایات مایات  
 در هر یک از فقرات مایات مایات مایات مایات مایات مایات  
 در مایات مایات مایات مایات مایات مایات مایات مایات

و همچنین معاینه و تطبیق محاسبه مخدوم ادارات دولتی را تفتیش  
اداری سند محاسبات را جمع آورده خواهد کرد و صورت گیرد  
محاسبات کلیت را باید با نظام ملاحظاتی محاسبه مقرر  
شماره ملی نماید

ترتیب و تنظیم اداره این قسمت بموجب قانون است

**در خصوص انجمنها ابالی**  
در تمام ممالک عمده انجمنهای ابالی و فدراتی بموجب نظامنامه مخصوص ترتیب  
میشود و قوانین اساسی آن انجمنها از این قرار است و چهارم است  
(۱) اعضاء انجمنهای ابالی و فدرالی و ابالی و فدرالی از طرف دولتی  
انتخاب میشود و نیز از طرف انجمنهای ابالی و فدرالی  
(۲) انجمنهای ابالی اختیار نظارت تمام در امور محاسبات را خواهد داشت  
برساخته عادت دارند با رعایت حد و در قوانین مقرر و در حدود  
(۳) تسبیح در در اختیار دولت از هر قسم تسبیح انجمنهای  
ابالی ملی و فدرالی

**فنون**

- (۱) ترتیب گرفتن فنون را قانون تعیین مینماید که نوعیت  
و حقوق این نظام و ترتیب در تمام محاسبه بموجب قانون است
- (۲) مخارج نظامی هر سال در از طرف مجلس شورای قانونی تعیین  
میشود
- (۳) تسبیح فنون نظامی خارج از کشور است و در وقت تعیین  
و در نقد از نظام مملکت غیر از آن است و با عضویت مقرر میشود
- (۴) حقوق و مناصب و شئون این نظام مطابق مقرر میشود

**کلیات**

- (۱) اولاد بزرگان بزرگ سفید و همدست نیز در قورشی است
- (۲) پای وقت دولت ایران طهران است
- (۳) اتباع خارجه مقیمین خاک ایران جاها و دالگ در آن هستند  
مورد سوار و بیک قانون استناد میکند
- (۴) اسامی شرفیست مجبزه اولی که در تقصیر بران نیست  
مختار نظر در مواد اسامی

الم برقرانی افزوده اند که باید در مجلس قبولی نماید جزو محقق  
 بوزار عهد و ثنا پیش از شروع در مقصود لازم است سؤال و جوابی سؤال تا تاریخ عبارت است  
 از قرار داد که مختلفه آن روانیت با اینک قوانین مذکور در این نظامنامه بسیار  
 الزام است بفعلی یا ترک امر جائز و ایجاب محو قرار داد موجب بدو و نیت شرعی است  
 اگر چه از جهت بدعت در تشریح حرمت ندارد مانند الزام فحش و بیگانه طرف در بیگانه  
 به صرف میل یا بدعتی آن بدو و نیت شرعی است مگر نفسی الزام غیر شرعی است  
 واجب و ترک حرام جایز نیت شرعی و مقرر بجهت اقتضای عدل و اهتمام الهی است  
 علماء و در این باب در مستطیل اعلی حضرت ایدح اعظام تا تاریخ مجلس مخالف با شرع است  
 بنامه جواب قرار داد مخصوصی با اجماع و وسیله و در مسائل ایجاب  
 ندارد مادام که متعلق بفعلی حرام یا ترک واجب بنامه و قوانین آئین الزام است  
 ما برین حالت است و مجازت هم بر مخالف است هم با قرار داد و جائز است مخصوصی  
 که بلا فکرم حلاله و نزع بر حقه و حفظ حقوق ملت است و اما قوانین جاریه بر نزع  
 ملت لابد بوضع است با الزام بر فعل واجب یا ترک حرام بالذات یا بالعرفی  
 در تقسیم مملکت ایران الان

در متحدین و ضائف حکام شرع

بیان احکام شرعی در جمیع ابواب فقه و تحلیلی لغیر اعطاء و جبهه زکوة و خمس  
 و سایر حقوق شرعیه دادن در تجبیز مولا که در لی نزلند در مراغه در خصوصیات و اجراء  
 حدود و تقوین و آیه سار امجد ازده در امام القاه ۸۰۸ در آفاق

عامة واقفا و صباير بلا و غير مستورا و افاضت من لا و اراث له و امثال انها با علمای  
اعلام است بموازین کح حقوق میدانند

معدایه فقره اول چون در رسد جا کاسر بدون نیافت تصرف حقوق و منشأ نزاع و گفتوگو است  
تو این که رسیده حلیم است در برابر این چنین تفهید خواهد یافت از همین نافذ احکام در مواضع  
و غیره به حکم سندی است لافان شرع و صدر رسیده

در مرکز ایالت این چنین عقد حقوق و از افراد و اطراف رجوع با هم بخمن امانت سکنه

بر این وضع ایها الهام این چنین عده از اعیان و دوجه کادر المعینه باید جریست و هم باشد  
و بد کوی از علماء که عده این را از این که در حکم است و فاکت عقیده عوام است و هم با کوه رفیع حقوق

نزدیک این چنین با علماء لکن فایز را بر این قرار بود هر چه قاطع گفتوگو شد باید مقرر حق  
در هر چه گفته گفت است عمل رسیده از این سیر لازم است بگذرند دعاظ و سئله که مستحکم در عقیده

و بینه و سایر دال که معنی را مشتری که صد حرف و صنایع و در دانش حقوق این الهام  
که عده قوام حفظ مملکت اسلام است تا دین و دینار این علامت بر سر نظم و حقوق باشد

نقین استانی بر صنف و کسب مرکز و جمیع آنها در برابر این چنین اثر رسیده

بر این نام و قانون که همسری را با نیا نند وین در شاعه ان دارد با چنین عمل ارائه نماید  
که اگر خبر شرعی قاطع هر طریقی و گفتگو بدست استنش نماید و آنچه نظر شده دارد و قابل گفتوگو است

مورد و کسب ارادتی  
در حقوق ملت ایران